

کمیته های کارگری راه کار نوین مبارزه طبقاتی

کارگران ایران همچنان مورد هجوم معیشتی قرار دارند. هیچ چیزی یا کسی مانع اخراج ها نیست، بیکارسازی ها تحت عناوین مختلف به بهانه های مختلف با تصویب قوانین متنوع همچنان ادامه دارد. روز به روز از کارگران استخدامی کم شده و به کارگران قراردادی و پیمانی اضافه می شود. استثمار کارگران بی شرمانه به شیوه های برده داری ادامه دارد. هر آنچه که از ستم مضاعف به کارگران و خانواده هایشان بگوییم کم گفته ایم. ما کارگران هر روز در واحدهای تولیدی خود به طرق مختلف با گوشت و پوست خود آترا لمس می کنیم و از یکدیگر می پرسیم تا کی؟ تا چه وقت؟ تا چه اندازه ای غارت خواهیم شد؟ سرمایه کی هجوم خود را متوقف خواهد کرد؟ به یکدیگر نگاه می کنیم و به دنبال چاره هستیم. همه می دانیم به جز اتحاد، به جز جمع شدن، به جز متشکل شدن هیچ کس یا چیزی و یا معجزه ای ما را نجات نخواهد داد و نیز می دانیم غارت ما را پایانی نیست، آنان به کمین نشسته اند که فرزندان ما را با قراردادهای یک ماهه و سفید امضاء و روزمزد به بردگی وادار کنند.

شوراهای اسلامی کار را تجربه کردیم و دیدیم که شوراهای اسلامی کار بازوان پرتوان کارفرما ها شدند. نمایندگان واقعی مان را انتخاب کردیم به عناوین مختلف آنها را متهم، اخراج و از ما دور ساختند. انجمن های صنفی را به ما تحمیل کردند. اما حتی اساسنامه ای که خود نوشته بودند نپذیرفتند. اعتراض کردیم اخراجمان کردند، اعتصاب کردیم گفتند حرام است، جاده را بستیم ضد انقلاب شدیم، کارمان را خواستیم به گلوله بستند.

همگی معتقدیم که تنها و تنها با ایجاد تشکلهای مستقل می توان از وضعیت موجود نجات پیدا کرد. تشکلهایی که دولتی نباشند و جریانات سیاسی و احزاب نیز دخالتی در آن نداشته باشند. با توجه به وضعیت موجود چگونه می توان این تشکلهای را ایجاد کرد. دولت که آزادی ایجاد تشکل را به ما نمی دهد، سازمان جهانی کار نیز بازوی راست سرمایه جهانی است. ما کارگران هم آنقدر از هم دور هستیم و آن چنان درگیر نان روز مره که عملاً امکان ایجاد تشکل را نداریم. در این وضعیت گنجی و سردرگمی، نقش کارگران پیشرو پر رنگ تر می شود. ما مجبوریم وضعیت خودمان را در جایی که کار می کنیم سر و سامان دهیم. با کمترین نیرو با بیشترین نیرو در کارگاه ها و کارخانه ها، در پروژه ها در ساختمانها.

مرکز ثقل و مرکز تعادل مبارزات کارگری در ایران در آینده در صنایع بزرگ معنی پیدا خواهد کرد. صنعت نفت، پتروشیمی، نساجی، خودروسازی، ماشین سازی، فولاد، معادن و غیره.

کارگران در صنایع مشابه مطالبات مشترک دارند. اعتراضات و اعتصابات، کارگران صنایع بدون ارتباط با یکدیگر حول مطالبات مشترک بدون نتیجه خواهد ماند. صنعت نساجی تقریباً در سراسر ایران وضعیت مشابهی دارد. یکی از دلایل که تا به حال اعتراضات کارگران در برابر تعطیلی، بیکارسازی و اخراج ناموفق مانده است، در عدم ارتباط آنها با یکدیگر است. ما در محل کار خود نیاز به مغز متفکری داریم که اعتراضات را به موقع سازماندهی کند، در مقابل اخراج مقاومت کند، علیه قراردادهای موقت اقدام کند، همه کارگران را درگیر مطالبات مشترک کند. ارتباط با صنایع مشابه داشته و ارتباطاتش را به شکل سراسری گسترش دهد. مغز متفکری که با تغییر شرایط محل کار و شرایط اجتماعی متغیر باشد. درست فکر کند، به موقع عمل کند، به موقع علنی باشد، در شرایطی مخفی باشد، اعتراضات کارگری را حول مطالبات مشترک سازماندهی کند.

در ایجاد این مغز متفکر کارگران پیشرو نقش محوری دارند. این چیزی نیست به جز "کمیته های کارگری"، تاکید می کنم کمیته های کارگری نه کمیته های کارخانه، از این جهت که متعلق به محل و جای خاصی نیست. هر جا که کارگر حضور دارد، کمیته های کارگری هستند. از جمع ۲ نفره گرفته تا بیشتر، از کارگاه ها گرفته تا صنایع، از یک کمیته تا کمیته های همسان و مشابه. "کمیته های کارگری" با توجه به نیازهای مبارزاتی روز کارگران هر واحد تولیدی از کنترل کارگری گرفته تا مقابله با اخراج، از سازماندهی یک سالن تولید گرفته تا سازماندهی یک صنعت از سازماندهی اعتصاب گرفته تا دخالت در امور اجتماعی در محلات کارگری، در ورزش کارگری، از صندوق های همیاری گرفته تا دخالت در تمامی عرصه های یک واحد تولیدی. "کمیته های کارگری" با سواد و بی سواد، با سابقه، کم سابقه و جوان و پیر نمی شناسد. وقتی در موقع استراحت و وقت چای و ناهار دور هم می نشینیم و در مورد امور کارخانه صحبت می کنیم، در واقع کمیته ای هستیم علنی. وقتی در گوش هم اعتراض به اخراج یکی از همکارانمان را زمزمه می کنیم، شکلی از کمیته های مخفی را به نمایش گذاشته ایم. وقتی تصمیم می گیریم که خواستار مجمع عمومی باشیم و حول مسئله مشخص اعتراض کنیم، این سازماندهی را کمیته های کارگری به عهده دارند. هیچ چیزی خارج از قدرت این کمیته ها نیست. "کمیته های کارگری" شکلی از عمل است در مقابل بی عملی و ناتوانی و گجی. "کمیته های کارگری" می توانند ارگان های خبری یک واحد تولیدی باشند و اخبار و گزارشات آن واحد تولیدی را به هر طریقی توسط هر رسانه ای و یا نوشته ای به کارگران

دیگر و افکار عمومی اطلاع دهند و به موقع اطلاعات مورد نیاز را از بیرون و از شرایط اجتماعی گرفته به محل کار بیاورند. " کمیته های کارگری " مبتکر طرح های نوین اعتراضی هستند و خواهند بود، که کمتر کسی آسیب ببیند که تلفات کمتر باشد و برد اعتراضات بیشتر باشد. در واقع این طرح های نوین اعتراضی را سالیان اخیر در واحد های مختلف به عین دیدیم. از طومار نویسی و جاده بستن گرفته تا تحصن در جلو مجلس تا اعتصاب غذا و کنترل کارگری، همه این اعتراضات را که همگی شکل جدیدی از اعتراض بودند، کمیته های کارگری سازمان دادند. این کمیته ها همیشه و در همه جا بوده و خواهد بود، که کارگران خوش فکر و فعال و پیشرو در آن حضور داشتند. در واقع باید برای " کمیته های کارگری " تعریف جدیدی با وظایف جدید تعریف کرد. این که این کمیته ها باید برای ایجاد تشکلات مستقل کارگری بستر سازی و فرهنگ سازی کنند. در واقع یکی از خواست های اساسی کمیته ها ایجاد تشکل های مستقل کارگری است که مطالبه ای سراسری است. وظیفه شناسایی و حفظ نمایندگان واقعی کارگران را همین کمیته ها به عهده دارند. کمیته های کارگری در سالهای قبل از سرنگونی حاکمیت قبلی در شکل کمیته های اعتصاب سازماندهی اعتصابات مهم را در نفت و صنایع بزرگ و کوچک به عهده داشتند، در واقع بستری فراهم کردند تا نقش کارگران در قیام مردمی به عنوان نقش حیاتی و ماندگار باشد و دیدیم در روند رشد خود تبدیل به شوراهای کارگری گشتند. ویژگی مهم و اساسی " کمیته های کارگری " اخلاص در نظم و سیستم و قلب نظام سرمایه داری است. کمیته های کارگری فقط برای مطالبات روزمره کار نمی کنند، بلکه در محلات کارگری در تحلیل شرایط اجتماعی در انتخابات و مسائل سیاسی روز بی تفاوت نیستند، کمیته ها ترندهای نظام سرمایه داری برای خلع سلاح کارگران از تشکل ها را نقش بر آب می کنند. " کمیته های کارگری در ضدیت با نظام سرمایه داری اساسی ترین شیوه سازماندهی در مقابل نظام سرمایه داری یعنی شوراهای کارگری را در برنامه خود دارد. بخصوص در صنایع بزرگ که کارگران همیشه خواستار شورای مستقل بوده و هستند. کمیته های کارگری بستر ساز تشکلهای منتخب کارگران خواهند بود.

" کمیته های کارگری " توازن قوا را در عرصه مبارزات کارگران در آینده به نفع طبقه کارگر تغییر خواهد داد.

سینا جوان

۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳

قرائت شده در مراسم اول ماه مه در تهران- جاده مخصوص کرج